

معروفترین روش آموزش فلسفه به کودکان

فلسفه برای کودکان (فبک) یا فکریپوری برای کودکان یا P4C یکی از شاخه‌های آموزش فلسفه است که به پرورش قدرت استدلال و تفکر فلسفی در کودکان می‌پردازد.



خبرگزاری مهر- فلسفه برای کودکان (فبک) یا فکریپوری برای کودکان یا P4C یکی از شاخه‌های آموزش فلسفه است که به پرورش قدرت استدلال و تفکر فلسفی در کودکان می‌پردازد. در اواخر سالهای ۱۹۶۰، وقتی متیو لیپمن در دانشگاه کلمبیا واقع در نیویورک در رشته فلسفه مشغول تدریس بود، متوجه شد که دانشجویانش فاقد قدرت استدلال و قضاوت هستند. او به این نتیجه رسید که برای تقویت قدرت تفکر این دانشجویان دیگر بسیار دیر شده‌است و قدرت استدلال باید از همان کودکی تقویت شود. لیپمن را بنیان‌گذار فلسفه برای کودکان می‌دانند.

از اینرو لیپمن کتاب کشف هری استوتلمیر را نوشت. در سال 1970 این کتاب به آزمایش گذاشته شد و بنظر می‌رسید بخوبی کارگر افتاده است. در پی آن برای معلمان يك کتاب راهنما که شامل صدها تمرین فلسفی بود، نوشته شد. آن کتاب هم بخوبی نتیجه بخش بود.

پس از چند سال، کتاب لیزا که منحصرأ مربوط به اخلاقیات بود و کتاب تکملة کتاب هری بود و به کودکانی اختصاص داشت که اندکی بزرگتر بودند نوشته شد. کتاب های بیشتر و بیشتری نوشته شد که هر کدام ویژه سطوح سنی خاصی بود. این کتابها به همراه کتابهای راهنمای کمک آموزشیشان بودند. همچنین مجموعه متنوعی از کتابهای نظری تألیف و منتشر شد.

معروفترین روش آموزش تفکر به کودکان با روش فلسفی، "فلسفه برای کودکان" است. این روش ابتدا در آمریکا و سپس در پنجاه کشور جهان، به اجرا در آمد.

در این روش داستانهایی نوشته و یا انتخاب می‌شوند که فلسفه را در قالب شخصیت‌های تخیلی ارائه می‌دهد. اگر این داستانها، موضوعات یا حوادث متمرکزی داشته و برای کودکان جذاب و بحث انگیز باشند (در عین حال که ارتباط خود را با تجارب زندگی روزمره کودکان حفظ می‌کنند)، آنها از داستانها لذت برده و ترغیب خواهند شد که فکر کرده و تحقیق نمایند.

یکی از راههای مؤثری که به کودکان کمک می‌کند تا این مهارت را کسب کنند، درگیر کردن آنها از لحاظ عاطفی و ذهنی در زندگی "شخصیت‌های داستانی" است که این کار فرایند پرسش و پاسخ را در کودکان ایجاد می‌کند.

به عقیده شارپ (یکی از فعالان فلسفه برای کودکان در استرالیا) در کتابهای فلسفه برای کودکان، هر صفحه باید شامل مفاهیم فلسفی گوناگون باشد که در سطح سنی بیشتر کودکان عادی به نظر برسد و مهمتر از همه اینکه بحث‌انگیز بوده و آنقدر بدیهی باشند که بسختی بتوان به آنها توجه کرد.

هر داستان باید دارای شخصیت‌های تخیلی باشد که کودکان بتوانند آنها را الگو قرار دهند. همچنین هر داستان باید یک پرس و جوی مشترک و میل به ساختن اندیشه‌های یکدیگر را شکل دهد و در حالی که یک نوع احساس اعتماد، ارزش و انسجام را بوجود می‌آورد با کار جمعی گروه یکی گردد و تا آنجا که امکان دارد تلاش شود تا ابعاد فلسفه اعم از اخلاق، منطق، زیبایی‌شناسی، انسان‌شناسی، متافیزیک و ... را دربر گیرد.